تاملی بر دیدگاه صاحب حدائق در تقیه

کما اینکه بحث تقیه که دیروز صحبت شد؛ تقیه از باب القاء خلاف بوده باشد. من نگاه کردم. جلسه دویست و بیست، دویست و بیست‌ویک، دویست و بیست و دو. در سه جلسه شش روایتی که صاحب حدائق برای مختار خودشان آورده بودند را بررسی کردیم. در جلسه اول و دوم، شش روایت را بحث کردیم. در جلسه دویست و بیست و دو از راه روش حذف تقیه جلو رفتیم. حذف تقیه یعنی روایاتی است که مربوط به اختلاف حدیث است ولی نزد کل و به اتفاق اصلاً جای تقیه نیست. یکی همین بود که در روایت تصریح می‌کند: «سألته علیه‌السلام عن احادیث تختلف عنکم»، بعد هم امام نفرمودند من القاء خلاف کردم. حضرت فرمودند «ان القرآن نزل علی سبعة احرف فادنی ما للامام ان یفتی علی سبعة اوجه». موارد دیگر هم هست؛ آیا در نزول قرآن تقیه بوده؟! چون قرآن بر سبع حرف انزل شده، پس امام القاء خلاف می‌کند؟! اصلاً ربطی ندارد. روایت ششمی که خود صاحب حدائق آورده بودند بسیار مهم بود؛ «هذا عطاؤنا فامنن أو أمسك بغير حساب» و فوض الی نبیه صلی‌الله‌علیه‌وآله»[1]. پیرامون این تقیه سه جلسه مباحثه کردیم. علی ای حال روایتی که در تقیه و القاء خلاف وارد شده در وقت نماز است. می‌گوید دیدم اصحاب شما مثل زراره یک وقت می‌خواند، دیگری وقت دیگر می‌خواند، چرا کسانی که از نزد شما می‌آیند هر کدام یک طور می‌خوانند؟! حضرت فرمودند من اینطور کردم. وقت نماز موسّع است. این چیزی نیست که بگوییم تقیه در آن صورت گرفته است. مدیریت امتثال است، «لو صلوا علی وقت واحد لعرفوا فأخذ برقابهم»[2]. یعنی تقیه در مدیریت امتثال خاص است. این خیلی متفاوت است تا اینکه امام علیه‌السلام تقیتاً یک چیزی را خلاف حکم الله ابراز کنند و بعداً هم معلوم نشود و بگویند صلاح است. ما سه جلسه از این بحث کردیم.

---

[1] الحدائق، ج ۱، ص ۴-۱۳

[2] همان

بازبینی #3
ایجاد شده 5 ژانویه 2026 15:49:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 14:46:13 توسط ... .